

دعوت به حق و مبارزه با فساد

از ارکان مهم دموکراسی اسلامی، بعد از «مشورت و تبادل نظر» که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، اصل مقدس و امر معروف و نهی منکر، است.

از آنان؛ یار و یاور بعضی دیگرند بخوبیها امر نموده و از زشتیها باز میدارند، (۱) گر چه در حکومتهای دموکراسی جهان «آزادی بیان و قلم» بعنوان يك حق طبیعی و اجتماعی، شناخته شده. افراد ملت، حق دارند، در صورت لزوم، از آن استفاده نمایند، و گاهی مطبوعات را در رکن چهارم مشروطیت، معرفی میکنند ولی اگر مردم، روی جهاتی نخواستند از این حق طبیعی، استفاده کنند، مرتکب جرم و گناهی نشده اند.

اما از نظر اسلام، نه تنها این امر، يك حق طبیعی است بلکه استفاده از آن، برای ارشاد و اصلاح جامعه يك تکلیف مذهبی و وظیفه بزرگ اسلامی است (۲) که شانه خالی کردن از زیر بار آن، بمنزله اعلام جنسک، با خدا است (۳)

انتقاد از مامداران!

مسلمین، در پرتو این فریضه بزرگ مذهبی

این اصل، تمام آحاد ملت را موظف میداند که ناظر بر اوضاع اجتماع، و مراقب اعمال دیگران، باشند، چنانچه در گوشه‌ای از اجتماع فساد و تباهی راه یابد، و یا فردی از افراد ملت در هر رتبه و مقامی که باشد، مرتکب کار خلاف و ناپسندی گردد، و یا در انجام تکالیف محوله، قصور، ورزد، تمام امکاناتیکه در اختیار دارند، چه از طریق مطبوعات، چه از راه سخنرانیهای مهیج، چه از راه تشکیل انجمنها و احزاب، و چه از راههای عملی دیگر، از قبیل: بوجود آوردن مؤسسات عام المنفعه، آموزشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت، در راه ارشاد و هدایت آنان و محو آثار فساد و تباهی، بکار انداخته، اجتماع را از لوث معاصی و انحراف پاک نمایند: «مردان و زنان با ایمان؛ بعضی

(۱) - سوره توبه آیه ۷۱ (۲) تمام فقهاء اسلامی و آرا آنجمله شهید اول، نوشته اند:

«الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، واجبان عقلاً و نقلاً» (شرح لمعه ج ۱ ص ۱۹۲)

(۳) قال رسول الله (ص): اذا امتی تو اکت الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، قلیاً -

ذنوا بوقاع من الله (فروع کافی ج ۵ ص ۵۹)

اصلاحی و انتقادی آنان را مورد مطالعه قرار میدادند ، چنانچه انتقاداتی اصولی و نظراتی بجا و خیر خواهانه می یافتند ، قبول کرده و تسلیم میشدند ، و گرنه جوابهای منطقی و قانع کننده بآنها میدادند .

گرچه در پاره ای از موارد ممکن بود ، با عکس العمل شدید زمامداران خودسر و افراد از خودراضی ، روبرو شوند ، ولی این عکس-

آنچنان ، آزادی سیاسی کسب کرده بودند که گاهی افرادی معمولی و شترچران ، بخود حق میدادند از بزرگترین شخصیت های اسلامی و اجتماعی انتقاد کنند ، و نظرات اصلاحی و خیر-خواهانه خود را بهر طریقی که ممکن بود ، با آنان ، در میان نهند .

زمامداران ، و افراد با شخصیت اسلامی آن روز ، نیز با کمال خوشروئی و تواضع ، نظرات

العمل ها هیچگاه آنان را از

انجام فریضه بزرگ امر

بمعروف و نهی از منکر

بباز نسی داشت و

همچنان ، سر سخنانه با

فساد و تباهی مبارزه میکردند

زیرا آنان ، در مکتب

آزادی بخش اسلام ،

آموخته بودند ؛ و بالاترین

مرحله امر بمعروف و نهی

از منکر گفتن سخن بجا و

درست ؛ در برابر پیشوای

خود گاهه و ستمگر

است» (۱)

مادر تاریخ درخشان

اسلام ، نمونه های فراوانی

از اینگونه انتقاد ها و

اظهار نظر ها و مبارزات

سر سخنانه را می یابیم که

ذیلا به برخی از آنها اشاره

میشود :

آشفته گیهای روانی

موجبات هیجانات ناستوار و ناعا هانك امروزی

هر چه باشد تلفاتش حیرت انگیز و گیج کننده است .

بنا به تخمینی که مؤسسات آماری ضمن چند سال اخیر

زده اند ، فقط در امریکا .

۹۰ میلیون نفر گرفتار آشفته گی هیجانات و احساسات

روحی شده اند در امریکا چهار مایون حادثه در نتیجه

مستی بوجود آمده

پنجاه هزار معتاد به قرص های مخدر موجود است

دویست و هفتاد و پنج هزار کودک سالیانه در

داد گاه های جوانان محاکمه شده اند .

هفده هزار امریکائی دست به خودکشی زده

و از هر چهار ازدواج یکی بطلاق انجامیده که

دلیلش کشمکش هیجانات و اختلالات فکری بوده

است .

و مجله بهداشت روانی ، شماره ۹۸ دیماه ۱۳۴۷ ،

(۱) و افضل من ذلك كلمة عدل عند امام جائر (نهج البلاغه فیض ص ۱۲۵۳)

خلیفه برسید : چرا ؟ او گفت : این جامه را از کجا آورده ای ؟ در صورتیکه تو آدم قدبلندی هستی و یک برده برای جامه شما کافی نیست ! عمر باو گفت : عجله نکن آنگاه پسرش عبدالله را صدا کرد و باو سوگند داد که حقیقت را بگوید او هم ماوقع را آنطور که بوده شرح داد ، و قتیکه حقیقت آشکار گردید آن مرد گفت : « اینک گوش بفرمان شما ایم ؛ هر چه بگوئید اطاعت مینمائیم » (۱)

آری دردمو کراسی اسلامی ، مردم آزادی بیان و قلم دارند و بایستی در مقابل انحرافات و ارتکاب فساد و تباهی ساکت ننشینند و لو آنکه شخص مجرم در مقام حساسی باشد .

« اصمعی » میگوید : روزی « عبده الملک مروان » ، خلیفه مقتصد اموی ، در مکه هنگام حج در حالیکه اعیان و اشراف و رجال ، دور او را گرفته ، و او نیز بر جایگام مخصوصی نشسته بود « عطاء ابن ابی رباح » ، براو وارد شد ، عبدالملک رو باو کرد و گفت :

چه حاجتی داری ؟ « عطاء » گفت : « در حرم خدا و حرم رسولش از خدا به پرهیز زیرا که تو پیمان بسته ای در آبادی آن بکوشی ، در باره حقوق فرزندان مهاجر و انصار نیز از خدا به ترس ، زیرا تو بوسیله آنها با یم مقام رسیده ای . حقوق مردمی را که در سرحدات کشور اسلامی بسر میبرند نیز رعایت کن زیرا آنان بمنزله دژ محکم ، برای استقلال و امنیت کشورند بکارها و نیازمندیهای

هنگامیکه ابراهیم ، فرزند کوچک پیامبر اسلام ، از دنیا رفت ، حضرت ، در سوک او میگریست ، یکی از اصحاب ، بایشان عرضه داشت چطور است که ما را از گریه کردن برای مردمان باز میدارید ؛ ولی خودتان گریه میکنید؟! حضرت در پاسخ او فرمود : « من شمارا از هر نوع گریه کردن ، باز نداشته ام ، طبیعت آدمی در مرگ عزیزان میسوزد ، و اشک جاری میشود ! این نوع گریه (امری است طبیعی و نشانه عواطف انسانی است) و مانعی ندارد ، آن گریه ای ممنوع است که با کلمات کفر آمیز توأم باشد و خدارا به غضب بیاورده » (۱)

این جامه را از کجا آورده ای ؟

در زمان خلافت عمر ، غنائمی از زمین بدست مسلمانها افتاد که از آن ، به فردی يك بردی منی رسید و چون خلیفه نیاز شدیدی به جامه داشت ، وقد او بلند بود و يك برد ، برای جامه او کافی نبود ، از اینجهت پسر او « عبدالله » سهم خویش را به خلیفه داد تا برای خودش جامه مناسبی درست کند ، او هم سهم عبدالله و سهم خودش را يك جامه مناسب برای خویش درست کرد و پوشید .

اتفاقا همان روز حاجنگی پیش آمد ، خلیفه بالای منبر رفت و گفت : « ای مردم حرفم را بشنوید و اطاعت کنید ، یکی از پای منبر ، برخاست و گفت : « گوش نمیدهیم و اطاعت هم نمیکنیم ! »

(۱) وسائل ج ۲ باب ۸۸ ص ۹۲۱

(۲) تنزیه المله و تنبیہ الامه مرحوم آیه الله نائینی ص ۱۶ المدالۃ الاجتماعیه - روح -
الدين الاسلامی .

ملت نیز رسیدگی کن زیرا که تو در این باره مسئولیت بزرگ، بمعهده داری، نیازمندانی که بدرخانه ات می آیند از درخانه ات مران و از آنها غافل مباش. ۱.
عبدالملك در مقابل تمام نصائح و اندرزهای «عطاء» میگفت: بچشم، اندرزها و سفارشهای تو را عملی خواهم کرد. ۱.
آنگاه «عطاء» بلند شد، خواست بروی خلیفه دامن او را گرفت و گفت: آنچه که تا کنون از ما خواسته ای همه مربوط به نیازمندیهای عمومی بوده و برآورده شده، اما حاجت شخصیت چیست بگو تا برآورده شود؟! ۱

او در جواب گفت: بشما حاجتی ندارم.

این صراحت لهجه و عزت نفس، آنچنان عبدالملك را تحت تأثیر قرار داده بود که در حالیکه «عطاء» میرفت، خلیفه میگفت: این شرافت و فضائل نفسانی او را باین مقام رسانیده است! (۱)

ولی گاهی انجام این وظیفه بزرگ (امر بمعروف و نهی ازمنکر) بسیار گران تمام میشود و چه بسا جان ناصحان مشفق و دعوت کنندگان بحق و مبارزان با فساد، فدای حق و فضیلت و مصالح عمومی میگردید که مادر میان هزاران مورد، بدون نمونه زیرا کتفا میکنیم:

۱- تبعید و مرگ بدنبال انتقاد از حکومت قانون شکن!

«بلادری» و «ابن ابی الحدید» مینویسند:

(۱) احیاء العلوم غزالی ج ۲ ص ۳۴۵

(۲) التذییر ج ۸ ص ۳۰۵

(۳) التذییر ج ۸ ص ۳۹۹ - ۳۹۶

هنگامیکه خلیفه سوم بیت المال مسلمین را حیف و میل نمود و به برخی از نزدیکانش مبالغ هنگفتی بخشید، مثلاً به مروان و حارث، پسر عموها و دامادش بهر کدام ۳۰۰۰۰۰۰ درهم و به زید ابن ثابت ۱۰۰۰۰۰۰ درهم داد و همچنین افراد نالائق و برخی از بستگان فاسدش را بمشاغل مهم مملکتی گماشت ابو ذر غفاری صحابی و ارسته رسول خدا نتوانست آنهمه قانون شکنیها و بیعدالتیها را به بیند و لذا در مقام امر بمعروف و نهی ازمنکر برآمد و او را شدیداً مورد انتقاد قرارداد.

روزی عثمان باو گفت آخر ترا باینکارها

(و باصطلاح دخالت در سیاست) چه کار؟! ۱

«ابو ذر» در جواب گفت «والله ما وجدت لی عذراً الا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر» (۲)
سوگند بخدا من برای ترک این فریضه بزرگ (امر بمعروف و نهی ازمنکر) عذری نیافته ناگزیر بانجام آن بوده و هستم.

گرچه این انتقادهای سخت برای ابو ذر گران تمام شد، وقتیکه خلیفه دید او را حتی با پول نمیشود ساکت کرد، ابتدا او را بشام تبعید کرد و چون وجود او را در شام نیز برای خود و استا- نداردش معاویه خطرناک دید ناگزیر از شام او را فراخواند و به بیابان بی آب و علفی بنام «ربذه» تبعید کرد و او در اثر بدی آب و هوا و نبودن لوازم اولیه زندگی در آنجا درگذشت، اما هیچگاه از این تکلیف بزرگ مذهبی، شانه خالی نکرد (۳)

۲- شهادت و اسارت در راه آزادی!

رهبر آزاد مردان جهان «حسین بن علی» (ع) در محلی موسوم به بیضه در مقابل لشکریان «حر» که جلو آنحضرت را گرفته و از ورود بکوفه جلو-

گیریش نموده بودند فلسفه قیام خود را چنین تشریح میکند: «ای مردم رسول خدا فرموده است: «هر کسی زمامدار خود سری را به بیند که حرام خدا را حلال می شمارد؛ پیمان خدا را می شکند با سنت و روش رسول خدا مخالفت می کند؛ در میان مردم آناه و ستم مینماید؛ آنکس علیه او بهیچوجه اظهار مخالفت نماید خدا چنین کسی را حتما همان نحو عذاب خواهد کرد که آن ستمگر را عذاب میکند».

آسمان باشید: اینها (بنی امیه) فرمان شیطان را پذیرفته و طاعت خدا را ترک کرده اند؛ فساد را آشکار نموده حدود خدا را تعطیل کرده بیت- المال مسلمین را غارت نموده حرام خدا را حلال و حلالش را حرام ساخته اند؛ و من در جلوگیری از این تباهی و فساد؛ از همه سزاوارترم» (۱)

و نیز هنگامیکه میخواست از مدینه خارج شود، فلسفه قیامت را ضمن وصیت نامه ای چنین توضیح میدهد: «انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا ظالما ولا مفسدا انما خرجت لاصلاح امه جدی محمد و ان امر بالمعروف و النهی عن المنکر (۲) من بخاطر تفریح و خوشگذرانی و ستمکاری و فساد از مدینه بیرون نرفتم، بلکه می خواهم امت جدم محمد (ص) را اصلاح کنم و وظیفه بزرگ امر

بمعروف و نهی از منکر را انجام دهم» و بالاخره او در راه بوجود آوردن يك اجتماع بر اساس دموکراسی کامل، جان خود و عزیزانش را داد و خانواده اش را نیز با اسارت فرستاد.

(بقیه از صفحه ۲۳)

۱۵ هزار نفر از راه هوایی به جده وارد خواهند شد. این آمار از طریق دفتر کاروانهای زمینی و دفتر کاروانهای حج ترکیه که با هواپیما مسافران خود را پرواز میدهند، بدست آمده است.

از روزنامه «الرائد» چاپ هند شماره ۱۳ سال دهم.

تقبیح فروش فانتوم

سازمان رابطه العالم اسلامی در مکه مکرمه طی تلگراف مبسوطی که بواسطه شکن مخبره کرده، فروش پنجاه فروند جت فانتوم با اسرائیل را بشدت مورد تقبیح قرار داده است، در این تلگراف چنین آمده است: «تأیید کامل آمریکا از صهیونیسیم متجاوز بر ضد مردم عرب و مسلمان نه تنها روابط جهان اسلام را با آمریکا تیره خواهد ساخت بلکه به توسعه طلبی یهود کمک خواهد نمود. ما بنام مردم سراسر جهان اسلام این تأیید را تقبیح میکنیم و اعلام میداریم که کمکهای شما باعث نخواهد شد که مردم مسلمان از حقوق مشروع خود چشم ببوشند...»

ترجمه و تلخیص از «اخبار العالم الاسلامی» چاپ مکه.

(۱) تاریخ طبری ج ۷ ص ۳۰۰

(۲) نفس المهموم ص ۳۴